

کنفرانس بنیاد پژوهش‌های زنان ایران از ۲۴ تا ۲۶ ژوئن ۲۰۲۰ در فرانکفورت



فراخوان

سی و یکمین کنفرانس بنیاد پژوهش‌های زنان ایران، در روزهای جمعه ۲۴ تا یکشنبه ۲۶ جولای ۲۰۲۰، در شهر فرانکفورت آلمان، برگزار خواهد شد.

نقش شبکه‌ها و رسانه‌های اجتماعی در عرصه‌های مختلف جنبش زنان

از کسانی که مایل هستند حول موضوع کنفرانس مطلبی ارائه دهند و در پنج سال اخیر در کنفرانس‌های بنیاد سخنرانی نداشته‌اند، دعوت می‌کنیم چکیده‌ای از پژوهش منتشر نشده‌ی خود و حداکثر تا ۳۰۰ کلمه را تا پایان روز ۱۵ فوریه ۲۰۲۰، به آدرس abstract@iwsf2020.de ارسال کنند.

توجه داشته باشید که در پذیرفتن مقالات با محتوی برابر، الویت با انتخاب زنان خواهد بود.

کمیته‌ی برگزاری سی و یکمین کنفرانس بنیاد پژوهش‌های زنان ایران
- فرانکفورت

فراخوان بخش هنری

سی و یکمین کنفرانس بنیاد پژوهش‌های زنان ایران، در روزهای جمعه ۲۴ تا یکشنبه ۲۶ جولای ۲۰۲۰ در شهر فرانکفورت آلمان برگزار خواهد شد. در کنار سخنرانی‌ها، میزگردها و بحث و گفت‌وگوها، نمایشگاه آثار تجسمی و تصویری و اجرای هنرهای نمایشی همواره یکی از پایه‌های کنفرانس‌های بنیاد پژوهش‌های زنان ایران بوده است. از این جهت از هنرمندانی که در حوزه‌های مختلف هنرهای تجسمی، تصویری، صنایع دستی و نمایشی فعال می‌باشند، خواهشمندیم که با ارائه آثارشان به این مراسم جلا بخشد.

از هنرمندانی که مایل هستند آثارشان در نمایشگاه کنفرانس معرفی شوند و یا داوطلب اجرای هنرهای نمایشی می‌باشند، دعوت می‌کنیم که به همراه شرح مختصری از اثرشان چند قطعه عکس نیز تا پایان روز ۱۵ فوریه ۲۰۲۰، به آدرس art@iwsf2020.de ارسال دارند.

در انتخاب کارهای هنری، زنان در اولویت قرار خواهند داشت.

کمیته‌ی برگزاری سی و یکمین کنفرانس بنیاد پژوهش‌های زنان ایران

برگرفته از نشریه‌ی زنان : گاه‌نامه شماره 96 دسامبر 2019

سمینار سالانه زنان ایرانی در آلمان از 14 تا 16 فوریه 2020 در فرانکفورت



نامه‌ی شماره دو، 17 سپتامبر 2019

زنان عزیز،

«سمینار سراسری سالانه‌ی تشکلهای مستقل زنان و زنان دگر- و همجنس‌گرای ایرانی»

از تاریخ 14 تا 16 فوریه 2020

در شهر فرانکفورت برگزار می‌شود.

موضوع سمینار:

«راه‌کارهای جنبش زنان در رویارویی با اسلام‌یسم»

است.

گروه زنان ایرانی در شهر فرانکفورت میزبان شما خواهد بود.

از دوستانی که مایل به سخنرانی و عرضه‌ی کارهای هنری خود در این
سمینار هستند دعوت می‌کنیم، طرح مطلب و مضمون کار هنری خود را تا

15 اکتبر 2019

به آدرس زیر برای ما بفرستند:

ifgif@gmx.de

ifgiffrankfurt@gmail.com

سایر علاقه‌مندان به شرکت در سمینار می‌توانند با واریز کردن 100
یورو تا تاریخ 31 دسامبر 2019 به حساب زیر برای رزرو محل خواب و
تامین غذا در هر سه روز اقدام کنند:

هزینه‌ی ثبت نام از ژنویه 2020 به 110 یورو افزایش می‌یابد.

(Iranische Frauengruppe in Frankfurt (IFGIF

IBAN: DE56 4306 0967 8039 1629 00

BIC: GENODEM1GLS

آدرس محل سمینار:

Haus der Jugend

Deutschherrnufer 12

Frankfurt 60594

به امید برگزاری سمیناری موفق و امید بخش

گروه زنان ایرانی - فرانکفورت

ملاحظات جنسیتی بحران مسکن در ایران



الهه امانی

برخورداری از مسکن مناسب یکی از پایه ای ترین حقوق انسانی است. داشتن سرپناه، حق همه شهروندان است. هر فردی به لحاظ انسان بودن باید خانه ای امن، قابل سکونت و بدون ترس و وحشت از بیرون رانده شدن، داشته باشد. وظیفه تامین این حق مسلم شهروندان، به عهده دولت است.



ماده ۲۵ اعلامیه حقوق جهانی بشر تصریح می کند "هر انسانی سزاوار یک زندگی با استانداردهای قابل قبول برای سلامتی و رفاه خود و خانواده اش؛ از جمله تامین خوراک، پوشاک، مسکن، مراقبت های پزشکی و خدمات اجتماعی است و همچنین حق دارد که در زمان های بیکاری، بیماری، نقص عضو، سالمندی، از دست دادن همسر و فقدان منابع تامین معاش، تحت هر شرایطی که از حدود اختیار وی خارج است، از تامین اجتماعی برخوردار شود".

حق برخورداری از سرپناه همچنین در سایر قوانین و میثاق های بین المللی قید شده و امضا کنندگان آن موظف به پاسخگویی در زمینه عدم رعایت تعهدات خود هستند. از مهمترین این قوانین و میثاق های بین المللی می توان موارد زیر را یادآور شد:

- ماده ۱۱ میثاق بین المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی
- ماده ۲۷ کنوانسیون حقوق کودک
- ماده ۵ کنوانسیون رفع همه اشکال تبعیض نژادی
- ماده ۱۴ کنوانسیون رفع همه اشکال تبعیض علیه زنان
- ماده ۲۸ کنوانسیون حقوق افراد داری معلولیت
- ماده ۱۶ منشور اجتماعی اروپا (ماده ۳۱ منشور اصلاح شده اجتماعی اروپا)

- منشور آفریقایی در مورد حقوق بشر و مردم همچنین در سال ۱۹۹۱، در یادداشت شماره ۴ در مورد "مسکن کافی" توسط کمیته میثاق بین المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی مبانی یوگیاکارتا (Yogyakarta)، آمده است که حقوق انسانی افراد با تنوع گرایشات و تمایلات جنسی، باید در کلیه مفاد و حقوق انسانی و پیمان نامه های گوناگون، در نظر گرفته شود. این مبانی به اتفاق آرای ۲۹۹ کارشناس حقوق بشر از ۲۵ کشور، با تکیه بر این امر که گرایش و هویت جنسی، بخشی جدایی ناپذیر از حیثیت و انسانیت افراد است و نباید مبنایی برای اعمال تبعیض بر شخص شود، در نوامبر ۲۰۰۶، در شهر یوگیاکارتای اندونزی به تصویب رسید. اما این حق مسلم، امروزه به سبب بحران مسکن که در اکثر کشورهای جهان به درجات گوناگون وجود دارد، به امتیازی بدل شده که تنها فرادستان از آن برخوردارند.

بر اساس گزارش مکنزی، قریب به ۳۳۰ میلیون خانوار در مناطق شهری جهان، زیر حداقل امکانات مسکن و یا توسط هزینه تامین مسکن تحت فشار شدید قرار دارند.

تخمین زده می شود که تا سال ۲۰۲۵، بالغ بر ۴۴۰ میلیون خانوار و یا ۱/۶ بلیون نفر، زیر حداقل امکانات مسکن قرار گرفتند. این بحران چنانچه هوشمندانه و به موقع، مدیریت نشود تا سال ۲۰۵۰، ۲/۵ بلیون نفر را دربرخواهد گرفت. جوانان امروزه بیش از نسل های پیشین برای مسکن هزینه کرده اند، اما از مسکن با کیفیت پایین تری برخوردارند.

به واقع دنیایی که تنها تعداد محدودی از ساکنان آن بتوانند مسکن خود را تامین کنند، دنیایی غرق در بحران، ستم و مصیبت بار خواهد بود.

“مسکن حداقل” در کشورهای گوناگون تعریف واحدی ندارد اما استانداردهای بین المللی بر موارد زیر تاکید دارند.

۱- افراد باید از امنیت در محل اقامت زندگی برخوردار باشند و از بیرون شدن، اذیت و آزار، تهدید و ارعاب در امان باشند.

۲- محل سکونت باید خدمات، امکانات و زیر ساخت های لازم را داشته باشد. از جمله آب آشامیدنی سالم، گرمایش، روشنایی، امکانات شستشو، فاضلاب، بهداشتی و غیره باید در دسترس باشد.

۳- هزینه تامین مسکن باید به حدی باشد که دستیابی به آن، برآورد دیگر نیازهای انسان از جمله غذا، پوشاک، آموزش، رفت و آمد و غیره را مورد تهدید قرار ندهد. در بسیاری از کشورها مقرون به صرفه بودن به مفهوم آن است که هزینه مسکن یک سوم درآمد باشد.

۴- مسکن باید فضای کافی برای ساکنین داشته باشد که آنان را از سرما، گرما، باد و باران و تهدیدات طبیعی در امان نگه دارد.

۵- مسکن باید برای تمامی شهروندان تامین شود و گروه ها و اقشاری که در حاشیه قرار دارند، تهیدستان، کارگران، زحمت کشان، آسیب دیدگان، سالمندان و ناتوانان نیز باید از این حق برخوردار باشند.

۶- مسکن نباید در فضاهای آلوده که حق افراد به سلامتی برا مورد تهدید قرار می دهد، ساخته شود.

۷- افراد باید دسترسی به گزینه های اشتغال، خدمات درمانی، مدارس، مراکز مراقبت از کودکان و سایر امکانات اجتماعی را در محل زندگی خود داشته باشند.

۸- سیاست های تامین مسکن باید هویت و تنوع فرهنگی شهروندان را دربرداشته باشد. برنامه های توسعه و نوسازی باید به گونه ای باشد که اهمیت فرهنگی مسکن افراد و حس تعلق آنان به محل زندگی را مورد احترام قرار دهد. این امر برای پیشگیری از تناقض و اختلافات در

بین شهروندان محله ها و جوامع بسیار مهم می باشد. داشتن سرپناهی مناسب، کیفیت زندگی افراد را ارتقاء داده و محرومیت از مسکن مناسب بر برخورداری از سایر حقوق انسانی نیز سایه می افکند. بحران کنونی سبب شده که حتی افراد شاغل نیز نتوانند مسکن حداقلی و کافی برای خود و خانواده شان فراهم سازند. از لحاظ اجتماعی، طبقات و اقشاری که درآمد متوسط و پایین داشتند اما در بافت جامعه نقش آفرین هستند چون معلمان، کارگران، پرستاران، مددکاران اجتماعی و افرادی که در سایر مشاغل خدماتی به کار مشغولند، امروزه بیش از ۵۰ درصد درآمد خود را به تامین مسکن اختصاص داده و قادر نیستند در نزدیکی محل کار خود مسکنی فراهم کنند. این امر یعنی وقت و هزینه رفت و آمد نه تنها کیفیت زندگی آنان را مورد تهدید قرار می دهد، از نظر اقتصادی نیز فشارهای فزونی را بر آنان تحمیل می کند.

جغرافیای بازار مسکن در دنیای امروز تنها تحت تاثیر روندهای کلان اقتصادی و مالی نیست بلکه متأثر از عوامل سیاسی و اجتماعی نیز بوده و از این رو چشم انداز فائق آمدن بر بحران مسکن باید جامع و فراگیر تصویر شود.

رشد نئولیبرالیسم و سودآوری کلان سرمایه گذاری در ساخت شهرک ها و اماکن مسکونی از یک سو و رشد بنیادگرایی مذهبی از سوی دیگر تحقق حق برخورداری از مسکن را با موانع ساختاری و چالش های گوناگون مواجه ساخته است.

در جوامع بسته که بنیاد گرایان مذهبی بر مسند قدرت دولتی تکیه دارند و یا نفوذ قوی و دست بالا دارند، تبعیضات جنسیتی بر زنان، خانواده های بدسرپرست و یا بی سرپرستی که زنان در راس آن قرار دارند، زنان مجرد، مطلقه و یا افرادی که گرایشات و هویت جنسی متنوع دارند و همچنین مشارکت اقتصادی پایین زنان، حق تامین مسکن را برای این بخش های جامعه با موانع جدی مواجه می سازد. از سوی دیگر در کشورهای اروپایی و آمریکا، دستیابی به مسکن برای پناهندهان از کشورهای اکثریت مسلمان و غیرسفید پوستان در سایه رشد نیروهای راست و نئوفاشیسم، بیگانه هراسی، اسلام هراسی و نژادپرستی مورد تهدید قرار گرفته است.

تبعیضات جنسی و حق تامین مسکن برای زنان؛ مزد برابر در ازای کار برابر

در اکثر کشورهای جهان زنان مزد برابر در ازای کار برابر دریافت نکرده و تبعیضات در دنیای کار به درجات مختلف، دستیابی زنان را

به امکانات مالی و اقتصادی محدود ساخته و این امر قدرت اقتصادی زنان را برای تامین مسکن برای خود و خانواده خود محدود می کند. در ایران این امر تبعاتی به مراتب گسترده تر داشته، زیرا تبعیضات ساختاری، در حوزه عمومی و بخش خصوصی بارسنگین تری دارد.

ایران یکی از کشورهایی است که بیشترین شکاف بین زنان تحصیل کرده و دانش اندوخته در کارشناسی و کارشناسی ارشد و نرخ مشارکت اقتصادی زنان دارد. اکثریت زنان شاغل، در اقتصاد غیررسمی، فصلی و نیمه وقت به کار اشتغال دارند.

مهندسی جنسیتی در خلال ۴۰ سال گذشته معطوف به آن بوده که حضور زنان را در فضای عمومی و مشارکت اجتماعی، اقتصادی زنان را محدود سازد. نرخ بیکاری زنان دو برابر مردان است و این مولفه های اجتماعی و اقتصادی نه تنها از استعداد و قابلیت زنان در امر توسعه ممانعت ایجاد کرده بلکه زنان را در موقعیت فرودست اقتصادی نیز قرار داده است. به این لحاظ زنان به طور عموم و به ویژه زنان سرپرست خانوار و یا زنان بدسرپرست در چرخه فشارهای اقتصادی و فقر، بیشتر از مردان از حق برخورداری از مسکن مناسب، محروم هستند.

بر اساس اظهارات از قبادی دانا، رییس سازمان بهزیستی کشور، زنان سرپرست خانوار ۳ میلیون نفر می باشند که ۲۵۰ هزار نفر از آنان تحت پوشش بهزیستی قرار دارند و در ارتباط با مسکن این مددجویان در دهه فجر سال جاری صد هزار مسکن واگذار شده و ۵۲ هزار مسکن هم در حال احداث است که ۱۱۲ هزار نفر از مددجویان در صف انتظار دریافت مسکن هستند.

لازم به یادآوری است که ۸۳ درصد از خانوارهای تک سرپرست را زنان سرپرستی می کنند و حتی اگر تصور شود که بهزیستی به وعده های اظهار شده عمل کند باز زنان سرپرست خانواری که تحت پوشش سازمان بهزیستی نیستند، خیل عظیمی از مددجویانند که حق آنان درمورد داشتن مسکن، توسط دولت تامین نمی شود.

زنان کارتن خواب بخش دیگری از زنان آسیب دیده اند که از حق برخورداری از مسکن محرومند و این امر سایر حقوق آنان را به ویژه حق انسانی برخورداری از امنیت، مراقبت های پزشکی و اشتغال، به صورت جدی مورد تهدید قرار می دهد. بر اساس گزارشات نهادهای دولتی در ایران، اکثر زنان کارتن خواب از اعتیاد رنج برده اما آمار دقیقی از دلایل کارتن خوابی زنان در ایران وجود ندارد. در تهران ۲۰ هزار کارتن خواب و بی خانمان وجود دارد که چنانچه شانس آورند در مددسراها و گرمخانه ها شب را صبح کرده و صبح باز باید راهی پارک، گوشه خیابان و برخی مساجد شوند. چنانچه بعضی از این کارتن

خواب‌ها تحت مراقبت‌های پزشکی برای ترک اعتیاد باشند، از آن جایی که مسکنی قابل اطمینان که بتوانند حس تعلق به آن داشته و روز را نیز سرگردان خیابان‌ها نباشند، شانس بیشتری برای بازگشت به زندگی سالم خواهند داشت. قرار گرفتن آنان در خیابان‌ها و پارک‌ها طی روز، آنان را در چرخه‌ای قرار می‌دهد که ترک اعتیاد را برایشان ناممکن می‌سازد.

از دیگر بخش‌های زنان آسیب‌دیده که حق برخورداری از مسکنی قابل اعتماد و امنیت برخوردار نیستند، زنانی هستند که در چرخه خشونت در فضای خصوصی قرار دارند. برای قربانیان خشونت، خانه محلی ناامن است و چه بسا قتل‌گاه.

آمار دقیق برای خشونت خانگی در ایران وجود ندارد و حتی آماری برای زنانی که توسط شریک زندگی خود به قتل می‌رسند نیز وجود ندارد.

احمد شجاعی، رییس سازمان پزشکی قانونی کشور، با اعلام افزایش ۵/۸ درصد مراجعات نزاع همسرآزاری در سال ۹۶ نسبت به سال ۹۵، گفت که ۹۰ درصد مدعیان همسرآزاری را زنان و ده درصد را مردان تشکیل می‌دهند. در سال ۹۵، آمار مراجعان همسرآزاری ۷۷ هزار و ۲۸۰ نفر (۷۴ هزار و ۱۸۰ زن و سه هزار و ۱۰۰ مرد) و در سال ۱۳۹۶ این آمار به ۸۱ هزار و ۷۲۹ نفر رسیده است.

لازم به یادآوری است که اکثریت افرادی که قربانیان خشونت و اشکال گوناگون آن در حوزه خانواده اند حتی در دنیای غرب نیز آن را گزارش نمی‌دهند. در ایران با توجه به آن که از نظر فرهنگی قربانیان خشونت بار دیگر، توسط فرهنگ غالب بر جامعه و افکار عمومی، مورد خشونت و انزوای اجتماعی قرار می‌گیرند و بسیاری حتی از حمایت روحی و روانی خانوادگی نیز برخوردار نمی‌باشند، موارد همسرآزاری را گزارش نمی‌دهند. بر اساس گزارشی که چندین سال پیش تهیه شده ۶۰ درصد زنان در ایران حداقل یک بار خشونت را در روابط خانوادگی خود تجربه کرده‌اند. استان تهران و سپس استان‌های خراسان و اصفهان بیشترین گزارشات همسرآزاری را در سال گذشته داشته‌اند.

زنان خشونت‌دیده از حق برخورداری از مسکنی که در آن بتوانند آسیب‌های روحی، روانی، احساسی و فیزیکی خود را التیام داده و بتوانند روی پای خود ایستاده به طور عمده محروم هستند.

خانه‌های امن چون خانه امن "آنتا"، که یکی از ۲۳ خانه امن در کشور و تنها خانه امن غیر دولتی در تهران، فضایی محدود اما امیدبخش برای زنان قربانی خشونت خانوادگی و یا بدسرپرست است. این تعداد محدود از خانه‌های امن به هیچ وجه تامین‌کننده حق

برخورداری از مسکن امن برای زنان خشونت دیده نیست. همچنین این زنان پس از سپری شدن دوران توانمندی در خانه های امن از امکانات دولتی برای تهیه مسکن مناسب و سیستمی که در آن حمایت های مالی دولتی، تضمین حق برخورداری از مسکن مناسب باشد، بی بهره اند. در تجربه کار با خانه های امن جنوب کالیفرنیا در سال های ۱۹۹۰، چالش های گذار از خانه های امن به مسکنی که مقرون به صرفه برای زن و خانواده وی باشد از نزدیک آشنا شدم. بسیاری از زنان خشونت دیده پس از سپری کردن دورانی در خانه های امن و بازسازی توانمندی خود به خانه های انتقالی، که محلی برای سکونت موقتی چندین ماهه بود نرفته و سپس در لیست انتظار دریافت مکان مسکونی برای افراد کم درآمد (section 8) قرار می گرفتند. این یکی از شکاف هایی بود که در تامین حق برخورداری از مسکن این زنان آسیب دیده وجود داشت. با پیگیری مدافعان حقوق انسانی و حقوق زنان و همیاری خانه های امن کالیفرنیا، قوانین دریافت خانه و محل سکونت برای افراد کم درآمد مورد بازبینی قرار گرفت و این زنان که در صف انتظار خانه و محل مسکونی بودند هم زمان از مزایای دریافت مکان مسکونی برای افراد کم درآمد نیز به طور اورژانسی می توانستند، بهره مند شوند.

در پژوهش آمارهای طرح ملی بررسی پدیده خشونت خانگی علیه زنان در ۲۸ استان کشور تحت عنوان تاثیر نوع واحد مسکونی بر خشونت خانگی می خوانیم "چنین خانواده هایی که در خانه های ویلایی زندگی می کنند، بیشترین خشونت و خانواده هایی که در آپارتمان سکونت دارند کمترین خشونت را تجربه کرده اند. مردانی که تا ۱۸ سالگی در روستا بزرگ شده اند، بالاترین خشونت را علیه زنان روا داشته و مردانی که در شهر بزرگ شده اند کمترین خشونت را. زنانی که با همسرانشان هم شهری نیستند، بیشتر تحت خشونت واقع شده و آن هایی که هم شهری بودند، کمترین خشونت را تحمل کرده اند".

از دیگر ملاحظات جنسیتی، حق برخورداری از مسکن زنان مجرد که به طور مستقل زندگی می کنند، است. بالا رفتن سن ازدواج و افزایش روز افزون زنان و مردان مجرد در ایران قابل تامل و بررسی است. در ایران نیر همچون بسیاری از کشورهای دیگر میانگین سن افراد جوان که استطاعت تهیه مسکن مستقل برای خود ندارند و با خانواده زندگی می کنند، بالا رفته است. نهاد های دولتی زنان و مردانی که مجرد و مستقل زندگی می کنند را "خانواده های مستقل" نامیده اند. در آمار نفوس و مسکن سال ۱۳۸۵، درصد خانواده های مستقل نسبت به یک دهه قبل یعنی سال ۱۳۷۵، رشد دو برابر داشته است. امروزه اگرچه به تدریج میزان پذیرش اجتماعی و فرهنگی زنان و مردان مستقل، به ویژه زنان مجرد در بافت شهرها بیشتر مورد قبول واقع شده اما همچنان

تهیه مسکن برای زنان با چالش‌های خاص مواجه است. زنان مجرد که مستقل و شاغل بوده و یا با زنان دیگر به طور مشترک زندگی می‌کنند برای تهیه مسکنی که در آن امنیت داشته و فشارهای اجتماعی و دردسرهایی که زنان مستقل با آن مواجه اند، نداشته باشند، برای مسکن مناسب حاضرند هزینه بیشتری را تقبل کنند.

علی‌رغم مهندسی جنسیتی و برنامه‌هایی که صاحبان قدرت در ایران در خلال ۴۰ سال گذشته برای تشویق جوانان به خانواده سنتی، تشویق به ازدواج در سنین پایین، و افزایش جمعیت و زاد و ولد داشته اند، اشکال متنوع خانواده در ایران رشد یافته است. ازدواج‌های سفید، زنان مجرد، خانواده‌های تک‌سرپرست زنان، تنها فرآیند فشارهای اقتصادی و چالش‌های تهیه مسکن نبوده بلکه دلایل سبک زندگی و مولفه‌های اجتماعی و فرهنگی نیز داشته است.

در کنار مشکلات اقتصادی، تورم ۳۰/۶ درصدی مشکلات ناشی از فشارهای اقتصادی غرب و تحریم اقتصادی که بار آن بر دوش مردم ایران سنگینی می‌کند، نگاه سرمایه‌داری به مسکن، فساد مالی و اداری در امر شهرک‌سازی و تهیه مسکن، سیاست‌های نادرست و پروژه‌های ناموفق در بخش سرمایه‌گذاری و تامین مسکن در ایران، رشد ناهنجار و غیر قابل کنترل حاشیه‌نشینی در شهرهای بزرگ، خصوصی‌سازی اقتصاد، پیش‌تر از تحریم‌ها به بحران مسکن در ایران منجر شده است. بحرانی که زنان به عنوان نیمی از جامعه که به دلیل تبعیضات ساختاری و عدم وجود اراده سیاسی برای احترام به حقوق انسانی آنان از جمله حق برخورداری از مسکن به ویژه برای بخش‌های آسیب‌دیده جامعه بار سنگین آن را به دوش می‌کشند.

آن‌چه که بذر امید در دل‌ها می‌نشانند آن است که زنان ایران به ویژه نسل‌هایی که در خلال ۴۰ سال گذشته در بطن این تبعیضات رشد کرده و به قول سیمون دوبوار که می‌گوید "ما زن به دنیا نمی‌آیم بلکه زن می‌شویم"، زن شده اند، در صف مقدم تحولات اجتماعی برای کسب حقوق انسانی خود هستند و آینده‌ای را تصور می‌کنند که در آن عدالت اجتماعی و برابری جنسیتی زندگی انسان‌ها را شکل می‌بخشد. به قول "آرن داتی‌روی" دنیای نوین فرا خواهد رسید و صدای قدم‌های زنانه آن را از هم اکنون می‌شنویم.

23 اکتبر 2019

برگرفته از نشریه زنان : گاه‌نامه شماره 96 دسامبر 2019

بیانیه‌ی ۱۷ تن از زنان زندانی سیاسی در زندان اوین



حاکمیت زن ستیز در جدال با مادران دادخواه است

دیر زمان نیست که استبداد و استثمار توامان جز چتر خفقان و گرسنه‌گی و فقدان بر سر مردم این سرزمین نگسترده است. در تمام این سالها کشاکش قدرت مسلط با آزادی خواهی و عدالت طلبی در جریان بوده است. در یک سو حاکمیت با تمام ابزارهای سرکوب و در سوی دیگر جان‌های آزاده‌ی مردان و زنان با تمام آنچه داشته‌اند از قلمشان تا جان‌شان.

این کشاکش و نبرد به صریح‌ترین شکل در مواجهه‌ی حاکمیت با مادران و مادرانه‌گی طی سال‌ها نمایان شده است.

جایی که حکومت به رغم تاکید بر مادر بودن زنان برای پابند کردن‌شان به خانه، مادرانه‌گی زنان معترض را تاب نمی‌آورد:

زنان بسیاری فرزندان خود را در زندان به دنیا آورده و بزرگ کرده‌اند؛ مادرانی حتا از دیدن جسد و محل دفن فرزندان خود محروم شده‌اند؛ مادرانی به جرم خون‌خواهی فرزند خود یا درخواست آزادی فرزندشان به زندان روانه شده‌اند؛ یا مجبور به ترک فرزند چند ماهی خود شده‌اند و سال‌ها بدون حتا یک روز مرخصی در هجران فرزندان خود در زندان گذرانده‌اند؛ مادرانی که حتا از ملاقات و دیدن فرزندان‌شان در سالن‌های ملاقات زندان‌ها محروم مانده‌اند؛ و مادران بی‌قراری هم پشت درهای زندان ساعت‌ها در انتظار بدیهی‌ترین حق خود و در آغوش کشیدن فرزندشان رنجی مشابه را متحمل می‌شوند.

در تمام این سال‌ها جدال حاکمیتی زن ستیز با زنان و مادرانی که برای آزادی و عدالت برخاسته‌اند، ادامه داشته است. تداوم این جدال البته خود نشانی از آگاهی افزون و گسترش مبارزه و اعتراضات زنان است. نمونه‌ها بسیارند. تنها در چند ماه گذشته فرنگیس مظلوم به رغم بیماری به جرم دفاع از پسرش، سهیل عربی، بازداشت شد. مادر علیرضا شیرمحمدی به دلیل نداشتن ۸۰ میلیون تومان وثیقه، فرزند خود را در زندان از دست داد. راحله اصل احمدی به جرم خواست آزادی فرزندش، صبا کردافشاری، بازداشت شد، و موارد متعدد دیگر.

در اخیرترین مورد، دختر ۵ ساله‌ی نازنین زاغری، گیسو رتکلیف، به ناچار ایران را ترک کرد تا بعد از ۳ سال و ۸ ماه، به دور از مادر، نزد پدر زنده‌گی کند. این در حالیست که مسوولان به طور ضمنی آزادی او را مشروط به نتیجه‌ی مذاکره و معامله با بریتانیا کرده‌اند و آنچه در این میان نادیده گرفته می‌شود، انسان‌ها، حقوق آن‌ها، عدالت و حقیقت است. از این منظر، عمل‌کرد هر دو حکومت دو روی یک سکه است.

ما امضا کننده‌گان این بیانیه که برخیمان خود سالیان دراز رنج هجران فرزندان‌مان را تجربه کرده‌ایم، بار دیگر اعتراض خود را به ستم بر زنان، رفتارهای غیر انسانی و بی‌عدالتی اعلام می‌کنیم.

تجربه‌ی تاریخی و واقعیت روزمره بیان‌گر آن است که مادرانه‌گی به رغم میل حکومت‌ها با مقاومت و باروری ذاتی خود تا چه حد می‌تواند

به خواست و امکان رهایی گره بخورد. تداوم فشارها و فراقها بر زنان طی سالهای اخیر را نه عامل شکستن مقاومت که گواه ثابت قدم‌تر شدن در مبارزه و اراده‌ی معطوف به آن می‌دانیم.

ما زنان این مرز و بوم در این سو یا آن سوی دیوار زندان بر این باوریم که وجدان بیدار جامعه، تاب این‌ستم‌ها را نخواهد آورد و نه دیر هنگام، بلکه در سپیده‌ی دمی نزدیک، با عمل و اراده و هر لحظه، رهایی مادران رنج کشیده‌ی این سرزمین را فراهم خواهد ساخت.

دست در دست هم به امید روزهای روشن، صدای مادران در بند باشیم که این عمل سر فصل رهایی وجدان دردآلود جامعه‌ی بشری است.

یاسمن آریانی، مریم اکبری منفرد، سیما انتصاری، ارس امیری، مرضیه امیری قهفرخی، لیلا حسینزاده، نازنین زاغری، زهرا زهتابچی، آتنا دائمی، فاطمه ضیایی، منیره عربشاهی، نگین قدمیان، صبا کردافشاری، ندا ناجی، نرگس محمدی، فرشته محمدی، سپیده مرادی

برگرفته از نشریه زنان : گاه نامه شماره 96 دسامبر 2019

<http://www.iran-women-solidarity.net/spip.php?article3433>

**بیانیه‌ی جمعی از فعالان زنان
ایران در اعتراض به سرکوب و
کشتار معترضین آبان 98**



ما جمعی از فعالان زنان در ایران ضمن اعلام همبستگی با اعتراضات اخیر اعلام می‌داریم:

اعتراض خیابانی در ایران نیز همچون همه دنیا حق مردم و سرکوب مردم به هر بهانه‌ای محکوم است. اعتراض حق ماست، به سرکوب و کشتار معترضین پایان دهید

نئولیبرالیسم با شدت و ضعف سالها است که خود را بر سیاستهای اقتصادی کشورهای مختلف جهان تحمیل کرده است و در همه‌ی جهان به فلاکت و فقر مردم به ویژه زنان دامن زده است. اجرای این سیاستها سبب بیکاری و استثمار نیروی کار، محرومیت از خدمات درمانی دولتی و دسترسی کمتر به آموزش رایگان شده است.

اجرای این سیاستها، یک سوپیهی ماجرا است، سوپیهی دیگر ماجرا مقاومت و اعتراض مردم است. مقاومتی که به موازات سخت‌تر شدن شرایط زندگی هر بار گسترده‌تر شده است تا جایی که در خیزش آبان ماه، ده‌ها شهر کوچک و بزرگ را فراگرفت و چنان وسعت و گستردگی‌ای یافت که اقتدار طلبان چاره‌ای جز این ندیدند که به سرکوب شدید و عریان معترضان بپردازند. بر اساس آمارهای منتشر شده صدها نفر تاکنون جان باختند هرچند آمارهای غیررسمی از تعداد بیشتری خبر می‌دهد که برخی از آنان کودک هستند. ویدیوهای تازه منتشر شده نشان می‌دهند

که چگونه محرومان که زمانی ادعا می‌شد ولی نعمتان این کشورند به رگبار بسته شده‌اند. اخباری که کم کم از دیوار سرکوب و سکوت می‌گذرند عیان می‌سازند که چگونه در شهری چون ماهشهر که نمونه واضحی است از تلاقی فرودستی قومی و طبقاتی، برای به خاک و خون کشیدن معترضان حتی از به میدان آوردن تانک نیز فروگذار نمی‌شود.

در پی این اعتراضات تعداد زیادی از مردم بازداشت و راهی زندان‌های رسمی و غیررسمی شده‌اند. وضعیت زندان‌های رسمی حکومت که تحت نظارت سازمان زندان‌ها قرار دارد بنا بر اظهارات زندانیان غیرانسانی است و این شرایط در زندان‌های غیررسمی به مرز فاجعه خواهد رسید، همان‌طور که در سال ۸۸ افشای کهریزک نشان دهنده عمق فاجعه بود.

آمارهای رسمی تعداد زندانیان را بیش از ۷۰۰۰ نفر اعلام کرده است که هنوز وضعیت آنان مشخص نیست. در سکوت خبری و شرایطی که ما حتی نام این هزاران تن را نمی‌دانیم خطر بزرگی جان این عزیزان را تهدید می‌کند. تلاش برای پروژه‌سازی و اخذ اعترافات اجباری تاکنون بارها از سوی نهادهای امنیتی اجرا شده و این بار نیز با توجه به سرکوب شدید در خیابان این پروژه با جدیت بیشتری صورت خواهد گرفت.

ما جمعی از فعالان زنان در ایران ضمن اعلام همبستگی با مبارزات و اعتراضات اخیر علیه شرایط فلاکت‌بار اقتصادی اعلام می‌داریم: اعتراض خیابانی در ایران نیز همچون همه دنیا حق مردم و سرکوب مردم به هر بهانه‌ای محکوم است. ما خواهان آزادی بی‌قید شرط تمامی زندانیان سیاسی به‌خصوص بازداشت‌شدگان اخیر و دسترسی آزاد همه بازداشت‌شدگان به وکیل هستیم. ما همچنین ضمن اعلام همدردی با خانواده‌های کشته‌شدگان از آنان می‌خواهیم تا بر فضای ترس و تهدید فائق شده و شجاعانه خواهان محاکمه آمران و عاملان قتل عزیزان خود باشند و برای تحقق این خواسته خود را در کنار آنان می‌بینیم.

آذر گیلانی، آذین رضاییان، آرش گنجی، آزاده کیان، آزاده مولوی، آیدا جودکی، احمد زاهدی لنگرودی، اعظم نجیبی، اکرم مهدیه، الناز انصاری، الهام عابد عبادی، الهام هومین‌فر، الهه امانی، الهه باقری، الهه فراهانی، اندیشه جعفری، باربد گلشیری، بنفشه جمالی، بهاران سواری، بهزاد امامی، بیان عزیزی، بیتا حاجی صادق‌یان، بیتا طاهباز، بیژن پیرزاده، پرتو نوری‌علا، پرستو اله‌یاری، پرستو بیرانوند، پرستو قربانی، پروانه قاسمیان، پروین ضرابی، پروین همتی، ترانه روستا، جلوه جواهری، چنور مکی، حمیدرضا زاهدی، داوود نوائیان، دلارام علی، دنیا امیری، رز بهرامی، رضا دهقان، رضا فانی

یزدی، رقیه رضائی، روحی شفیعی، رودابه امیدیان، زارا امجدیان، زهره اسدپور، زهره دهقان، زیبا میرحسینی، زینب الوندی، زینب نظری، ژاله روحزاد، ژاله سالاری، سارا صحرانورد فرد، ساناز محسنپور، سپیده انتظامی، سپیده جدیری، سپیده رضوی، سمانه سوادی، سمانه عابدینی، سهیلا وحدتی‌بنا، سودابه فرخ‌نیا، سوسن طهماسبی، سوما رستم‌پور، سیما شاه‌عباسی، سیمین فروهر، شعله ایرانی، شقایق وحیدی، شکوفه اکبری، شکیبا عسگرپور، شمیم شرافت، شهلا هویدا، صبرا رضایی، صدیقه پاک‌ضمیر، ضیا زمانسرای، غزال محسن‌پور، غزال مرادی، فاطمه ترابی، فاطمه کریمی، فاطمه میراعلمی، فتانه عبدالحسینی، فخری شادفر، فرانک فرید، فرخنده جعفری، فرزانه راجی، فروغ رفیعی، فروغ سمیع‌نیا، فروغ عزیز، فریدا صبا، فریده گشتاسی‌پور، فری روشن، فرید قدمی، فریدا آفاری، فریسا آذر، فیروزه مهاجر، کامران طاهباز، کاوه مظفری، کیمیا مهدی‌پور، گلاله بهرامی، گلشن فیال، لیلی الیکایی، مجید ملکی، محبوبه حسین‌زاده، محبوبه عباسقلی‌زاده، مرتضا حسینی، مرضیه شکیبا، مریم رحمانی، مریم اشرافی، مریم رضایی، مریم روستایی صفت، مریم زندی، مریم میرزانژاد، مریم واحدی، معصومه وطنی، ملاحت مدنی، منصور اطمینان، منصوره شجاعی، منیره برادران، منیژه فروزنده، منیژه نجم‌عراقی، مهتاب محمودی، مهرداد فلاحی، مولود حاجی‌زاده، مولود محمدی، مونا آفاری، مونا محمدزاده، مهرانگیز کار، مینا پاکدل، مینا صفار سفلائی، مینو حیدری (کیامان)، نازلی فرخی، ناهید جعفری، ناهید میرحاج، نرگس صحرانوردفرد، نسترن موسوی، نسرتین سرحدی، نفیسه محمدپور، نوشین کشاورز‌نیا، نیره توحیدی، هدا امینیان، وحیده مولوی، یاسمین حشدری

برای رفع خشونت و تبعیض بر

زنان، متحدانه گام برداریم

شبکه همبستگی برای حقوق بشر در ایران

روز ۲۵ نوامبر روز منع خشونت بر زنان نام گذاری شده است. در روز ۲۵ نوامبر سال ۱۹۶۰ سه خواهر به نام‌های پاتریا، ماریا و آنتونیا میرابال در راه مبارزه با حکومت دیکتاتوری رافائل توروخو در جمهوری دومینیکن کشته شدند. ۲۱ سال بعد در سال ۱۹۸۱، در همایشی در بوگوتا، با شرکت مدافعان حقوق زنان در آمریکای لاتین و منطقه کارائیب، پیشنهاد اختصاص دادن روز قتل خواهران میرابال به روز منع خشونت علیه زنان مطرح گردید و در سال ۱۹۹۹ سازمان ملل نیز ۲۵ نوامبر را به عنوان روز جهانی منع خشونت علیه زنان به رسمیت شناخت. از آن پس هر ساله این روز گرامی داشته می شود و اعتراضات جهانی گسترده ای برای منع خشونت بر زنان صورت می گیرد. با وجود مبارزه مداوم زنان و مردان پیشرو، خشونت علیه زنان

همچنان در سراسر جهان ادامه دارد و نیمی از جامعه یعنی زنان را هدف سرکوب خود قرار داده است زیرا نه تنها قوانین تبعیض آمیز بلکه فرهنگ به شدت مرد-پدرسالار نیز بر جهان حکمروایی می کند، ولی به دلیل آگاه شدن زنان آزادی خواه و برابری طلب، این مبارزه نیز به یکی از مهم‌ترین مبارزات برابری خواهانه علیه هر گونه تبعیض و نابرابری‌های عمیق اجتماعی تبدیل شده است. در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز، به واسطه تسلط مذهب و شرع بر قوانین مصوب کشور، تبعیض علیه زنان به شدت نهادینه شده است و در نتیجه هر صدای اعتراضی را با خشونت سازمان یافته و به شدت مردسالار، از چند زاویه مورد هدف قرار داده و زنان آزادی خواه و برابری طلب را به شدت سرکوب و حتی تحقیر می کنند.

مسئله چند همسری، صیغه (فحشاء موقت)، نداشتن حق انتخاب همسر،

ممنوعیت سقط جنین، نداشتن حق نگهداری فرزندان پس از درگذشت شوهر، نداشتن حق تعیین محل سکونت و مسافرت، نداشتن حق تحصیل و کار در بعضی از رشته ها، قوانین ارث و طلاق و حجاب اجباری نمونه های بارزی از قوانین زن ستیزانه ای است که به طور سیستماتیک خشونت های جنسیتی را در جامعه پایدار می سازد. متأسفانه در برخی از مناطق ایران اگر چه به صورت محدود، عمل شنیع و وحشیانه ختنه دختران هنوز صورت می گیرد و جمهوری اسلامی ایران برای جلوگیری از این عمل تبهکارانه هیچ اقدام فرهنگی و قانونی به کار نمی برد.

مبارزات زنان آگاه و پیشرو ایران پس از صدور فرمان حجاب اجباری به عنوان اولین اقدام رژیم بر ضد زنان، از ۸ مارس ۱۹۷۹ آغاز و تاکنون به طور مداوم ولی با فراز و فرودهایی ادامه داشته است و زنان در مواردی نیز توانسته اند رژیم را به عقب نشینی وادار کنند و در این راه از دستگیری، زندان و شکنجه نهراسیده و هرگز از پا ننشسته اند. با گسترش مبارزات زنان آزادی خواه و برابری طلب به ویژه از سال ۹۶ به بعد، سرکوب های رژیم شدیدتر و وحشیانه تر شده است و حکم هایی بسیار سنگین برای زنان مبارز صادر می کنند و در حال حاضر نیز تعداد قابل توجهی از این زنان فعال در حوزه های مدنی، سیاسی و عقیدتی در زندان های مختلف حکومت اسلامی ایران با احکام بسیار سنگین در حبس اند و گاه زیر آزار و اذیت های جنسیتی به سر می برند که بر خود لازم دیدیم که نام تعدادی از آنها را در این جا ذکر کنیم:

آزیتا رفیع زاده، آیلار باختری، ارس امیری، اسرین درکاله، الناه وردی، الهام برمکی، حکیمه (گندم) بهمانی، حوریه (فاطمه) ضیایی آزاد، رقیه حاجی ماشالله، زینب جلالیان، زهرا زهتاب چی، زهرا صادقی، سپیده مرادی، سمانه نوروز، سهیلا مرادی، سیما انتصاری، سپیده قلیان، شکوفه یداللهی، صبا کرد افشاری، فاطمه باختری، فاطمه (آتنا) دائمی، فاطمه سپهری، فاطمه مثنی، گلرخ ابراهیمی ایرایی، لیلا حسین زاده، مریم اکبری منفرد، مریم محمدی، مژده نگهدار، مژگان (مایا) کشاورز، معصومه (مینو) قاسم زاده ملک شاه، منیره عربشاهی، نازنین زاغری رتکلیف، معصومه عسکری، ناهید بهشید، ندا ناجی، نرگس محمدی، نسرین ستوده، نگین قدمیان، هنگامه شهیدی، یاسمن آریانی.

رژیم با سرکوب شدید و تحقیر زنان و احکام سنگین و وثیقه های وحشتناک تر برای آزادی موقت بسیاری از زندانیان چه زن و چه مرد، می خواهد جلوی مبارزات زنان را برای دست یابی به حقوق انسانی شان

بگیرد ولی زهی خیال باطل، حکومت از مبارزات پیگیرانه و شجاعانه زنان به شدت ترسیده و ناتوان شده است و عجز حکومت را به وضوح می‌توان مشاهده کرد.

زنان مبارز ایران برای برخورداری از کرامت انسانی و پی ریزی جامعه ای آزاد و بدون تبعیض و به ویژه برای برقراری برابری جنسیتی و حقوقی، همچنان به مبارزات آزادی خواهانه و برابری طلبانه خود ادامه می دهند و دور نیست روزی که به حقوق انسانی خود دست یابند. ما نهادهای دادخواه و مدافع حقوق برابری انسان ها، امضاکنندگان این بیانیه، روز جهانی مبارزه برای رفع خشونت از زنان را گرامی می داریم و در راه از بین بردن هر گونه ستم و خشونت و تبعیض به زنان و برای حذف ساختار و قوانین زن ستیز، همراه زنان مبارز و آگاه ایستاده و تلاش کرده و از تمامی زنان و مردان برابری خواه درخواست داریم که برای دست یابی به این مهم با ما همراه شوند.

شبکه همبستگی برای حقوق بشر در ایران

آبان ماه ۱۳۹۸ برابر با ماه نوامبر ۲۰۱۹

امضاء:

- ۱ - انجمن زنان ایرانی - مونترال
- ۲ - انجمن تئاتر ایران و آلمان - کلن
- ۳ - انجمن ایرانیان نیویورک
- ۴ - انجمن جمهوری خواهان آلمان
- ۵ - انجمن همبستگی ایرانیان - تگزاس
- ۶ - انجمن جمهوریخواهان ایران - پاریس
- ۷ - انجمن حقوق بشر و دموکراسی برای ایران - هامبورگ
- ۸ - بنیاد اسماعیل خویی

- ۹ - مادران پارک لاله ایران
- ۱۰ - حامیان مادران پارک لاله - دورتموند
- ۱۱ - حامیان مادران پارک لاله - هامبورگ
- ۱۲ - حامیان مادران پارک لاله - فرزنو
- ۱۳ - شاخه زنان حزب آزادی و رفاه ایرانیان
- ۱۴ - شبکه همبستگی ملی فرزنو - کالیفرنیا
- ۱۵ - شورای هماهنگی جنبش جمهوری خواهان دموکراتیک و لائیک ایران
- ۱۶ - فدراسیون اروپا
- ۱۷ - کانون مدافعان حقوق بشر کردستان
- ۱۸ - کمیته مستقل ضد سرکوب شهروندان ایرانی - پاریس
- ۱۹ - کمیته دفاع از حقوق بشر در ایران - شیکاگو
- ۲۰ - کمپین دفاع از زندانیان سیاسی و مدنی
- ۲۱ - مادران صلح مونترال
- ۲۲ - نهاد «همه حقوق بشر، برای همه، در ایران»
- ۲۳ - همبستگی جمهوری خواهان ایران (هجا) - هلند
- ۲۴ - همبستگی برای حقوق بشر در ایران - کلگری
- ۲۵ - همبستگی جمهوری خواهان ایران (هجا) - مونترال
- ۲۶ - همبستگی جمهوری خواهان ایران (هجا) - ونکوور